



ارائه الگویی جهت اعتبارسنجی در دانشگاه آزاد اسلامی

کیومرث نیاز آذری

دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری (مسئول مکاتبات)
k.niazazari@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۱

چکیده

اعتبارسنجی^۱ مکانیسمی است که با استفاده از آن وضعیت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی^۲ از نظر وضعیت آموزشی، پژوهشی و خدماتی با زبانی کمی و کیفی مشخص شده است. در بسیاری از کشورهای جهان اصلاحات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی بعنوان یک تحول در آموزش عالی به حساب آمده و بعنوان یک نوسازی و تجدید نظر در مدیریت و اداره مؤسسات، مورد توجه قرار گرفته است. خود تنظیم‌کنندگی، استقلال، نظام تأمین اعتبار مبتنی بر اندازه‌گیری بازده و تضمین کیفیت^۳ برخی از عناصر تشکیل‌دهنده اصلی این اصلاحات بشمار می‌روند که افزایش این عوامل و نیاز به ارزشیابی^۴ و اعتبارسنجی واحدهای دانشگاهی را بیش از پیش مورد تأکید قرار داده است. در این پژوهش الگویی^۵ جهت اعتبارسنجی دانشگاه آزاد اسلامی مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت و روش پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بود. جامعه آماری را رؤسای دانشگاه‌ها، معاونین آموزشی، رؤسای دانشکده‌ها، مدیران گروه آموزشی و اعضای هیأت علمی شاغل در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی که ۷۹۶ نفر بودند، شامل شدند. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان، ۲۶۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای بود. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود که با مقیاس هفت‌گزینه‌ای لیکرت طراحی و پایایی آن ۰/۸۳ محاسبه گردید. در تحلیل داده‌های مستخرجه از پرسشنامه‌ها، در سطح آمار توصیفی از شاخص‌های آماری فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمونهای آماری همبستگی، T، تحلیل واریانس و رگرسیون بهره‌گیری و از نرم افزار آماری spss جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، الگو از نظر جامعه آماری (۹۱ درصد) بسیار مناسب تشخیص داده شد و برای واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی ارسال گردید.

واژه‌های کلیدی: اعتبارسنجی، تضمین کیفیت، ارزشیابی، الگو و دانشگاه آزاد اسلامی.

۱- مقدمه

دانشگاه‌ها نیز همانند سایر نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی برای مواجهه با واقعیت‌ها و چالش‌های پیش رو از یک طرف نوعی تجدید حیات و بهبود مستمر در فرآیندهای سازمان خویش را بر عهده دارند و از طرف دیگر بعنوان سازمانی هوشمند، مسئول درک و پیچیدگی‌های عصر نوین، تعیین ساز و کارهای آینده پژوهی و شناخت دقیق نیازهای جامعه و نیاز آفرین می‌باشند، ضمن آنکه جهت ایفای نقش بهینه خود در تولید دانش بشری، توسعه خلاقیت و نوآوری، مدیریت پیش کنش در امر آموزش عالی و حفظ ارزشهای ملی و معنوی و توسعه‌ی پایدار خواهند بود. در آمریکا (۱۸۰۰) اعتبارسنجی توسط آژانس‌های ملی و منطقه‌ای برای آموزش و پرورش و در دانشگاه بوستون (۱۹۰۳) کمیته امتحانات رسمی به عنوان سمبل قدرت و بنیاد کارنگی (۱۹۰۶) استانداردهایی را در مورد بودجه، بیمه و بازنشستگی در دانشکده مطرح نمود و در سال ۱۹۱۳ افتخار ملی مطرح شد. در فرانسه (۱۹۸۵) کمیته ارزشیابی ملی و در انگلستان (۱۹۹۲) دو الگو برای بخش غیر دانشگاهی پلی تکنیک‌ها و کالج‌ها تأسیس شد. در هلند (۱۹۹۳) برای ارزشیابی از بازرسان استفاده می‌شد. در سوئد (۱۹۹۵) نیز از هیات‌امناها برای ارتقای کیفی کمک گرفتند. در کانادا (۱۹۹۷) برای خود ارزشیابی و ملاقاتهایی توسط هم‌تایان صورت گرفت. در شیلی (۱۹۹۷) توسط شورای آموزش عالی اداره می‌شد. در کره (۱۹۹۹) نظام ارزشیابی شامل گذر از مراحل دوران تنبلی و تقلید، دوران کنترل حکومت، دوران کالج‌های تجربی برای آموزش دانشگاه و خود ارزشیابی نهادی اعتبارسنجی دانشگاهی بود. در چین (۱۹۹۹) در زمینه ارتقای کیفی آموزش عالی در ساز و کارهای ارزشیابی متجلی نمود. در هنگ کنگ (۲۰۰۰) اعتبارسنجی به شکل کمیته‌ای از کارشناسان خبره در امر اعتبارسنجی دانشگاهی بود. در فیلیپین (۲۰۰۱) این فرایند نوپا است و از الگوی آمریکایی استفاده شد. در ایران (۱۳۷۵) اولین کوشش برای ارزشیابی در آموزش عالی ایران بود. شورای دانشگاه تهران (۱۳۷۶) راه سال نظارت و ارزشیابی نام نهاد. سال (۱۳۷۶)، نخستین دایره‌المعارف آموزش عالی ایران

چاپ شد. در سال (۱۳۸۱) شورای ارزشیابی بیرونی و اعتبارسنجی تشکیل شد (شاهرضایی، ۱۳۸۹، ۷).

برخی از مهمترین مسائل اساسی اعتبارسنجی که در دهه‌های اخیر در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شده است؛ اعتماد و پاسخگویی: به موازات گسترش تمرکززدایی و استقلال و آزادی بیشتر دانشگاه‌ها در تصمیم‌گیری‌های مختلف، تقاضا برای پاسخگویی و اعتماد افزایش یافته است. بازار کار مشترک و نیازمندیهای مربوط به جابجایی دانشجویان: یک بازار مشترک با صدها میلیون نفر، بدون وجود یک نظام آموزش عالی مشترک یا شفاف، فاقد کارایی لازم خواهد بود و از آنجائی که آموزش عالی جهان مشتمل بر نظام‌های ملی گوناگونی است که وجه تمایزهای فراوانی با هم دارند، بنابراین نیاز به اعتبارسنجی در برنامه کار بیشتر کشورهای جهان قرار گرفته است. بازار بدون مرز آموزش عالی: یکی دیگر از دلایل توجه به اعتبارسنجی، ظهور فراهم‌کنندگان آموزش عالی غیر ملی در سطح جهانی است که فراهم‌کنندگان خصوصی، مؤسسات مجازی، مؤسسات سهامی و فراهم‌کنندگان در بازارهای داخلی و بین‌المللی آموزش عالی نامیده شده‌اند. در کشور ما نیز دانشگاه‌ها در کنار سایر مراکز آموزشی تلاش و سعی نموده‌اند، پوششی وسیع در سرتاسر کشورمان ایجاد نمایند. بدین جهت موضوع اعتبارسنجی در مناطق مختلف دانشگاه آزاد اسلامی نیز بایستی مورد توجه دقیق قرار گیرد و زمینه نهادینه کردن آن بعنوان بخشی از راه زندگی کیفی آموزش عالی کشور درآید.

توجه به تحولات مشترک جهانی و رسالت نوین دانشگاه‌ها علاوه بر افزایش تقاضا برای آموزش عالی، ضرورت تغییر و اصلاح دانشگاه‌های جهان را نیز مطرح می‌نماید. بدین ترتیب پاسخگویی به نیاز جامعه در ابعاد کمی و کیفی ضرورتی تلقی می‌گردد که هر چه سریعتر دانشگاه‌ها باید بدان بپردازند. در این راستا عمدتاً مراکز آموزش عالی در دنیا با دیدگاهی استراتژیک وضعیت موجود را مورد بررسی قرار می‌دهند و با ترسیم بصیرت‌ها و رسالت‌ها بر اساس نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و نگرانی‌ها، اهداف خود را تعیین می‌کنند. اما آنچه نهایتاً مورد پرسش قرار می‌گیرد این است که یک دانشگاه تا

"بررسی وضعیت ارزیابی در آموزش عالی کشور به منظور ارائه یک چارچوب ادراکی" به ابعاد پنجگانه ارزیابی کشورهای منتخب شامل زمینه، درونداد، فرایند، برون‌داد و پیامد که برگرفته از الگوی cippo است، توجه شایانی داشته است. در نهایت، چارچوب ادراکی مورد انتظار با توجه به نتایج به دست آمده ارائه شد که در آن شورای عالی ارزیابی آموزش عالی نقش سیاستگذاری و هدایت فعالیت تمام نهادهای مربوط به ارزیابی آموزش عالی را بر عهده داشته و مشتمل بر چهار رکن؛ فلسفه و اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرا و نظام بازخورد بانک اطلاعات و مهندسی مجدد بوده است. هداوند (۱۳۸۸) "اعتبارسنجی، ابزار کنترل کیفیت آموزش" در این پژوهش مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی اعتبارسنجی شامل رسالت و اهداف، ساختار سازمانی و مدیریت، کادر آموزشی فراگیران، فرایند یاددهی و یادگیری و دوره‌های آموزشی امکانات و تجهیزات را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. رویکردهای اعتبارسنجی با ارتباط بین مأموریت سازمان، اهداف و نیازهای توسعه منابع انسانی طرح شدند. رویکرد تولید مداری، رویکرد مصرف‌گرایی، رویکرد استانداردمداری مورد توجه است. تأکید مقاله حاضر بر این مسئله بود که اعتبارسنجی می‌تواند با اصلاح ساختارها و فرایندهای جاری آموزش، به بهبود کیفی عملکردهای سازمانی کمک کرده و زمینه را برای پاسخگویی به نیازهای طرح شده، فراهم آورد. امین بیدختی و عیدی (۱۳۸۵) در تحقیق خود "استانداردسازی، پیش شرط ضروری اعتبارسنجی در ارتقاء کیفیت نظام آموزش عالی" ضمن بررسی مفاهیم کیفیت و اعتبارسنجی، به کنکاش و تأکید بر استانداردسازی به عنوان پیش شرط لازم و ضروری جهت بهبود، ارتقاء و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی پرداخته‌اند. بررسی تجارب کشورهای مختلف در زمینه اعتبارسنجی و نیز استقبال گروه‌های آموزشی کشورمان از به کارگیری این فرایند، ضرورت تدوین و توافق بر استانداردهایی که با عنایت به شرایط فراملی و ملی تهیه شده باشند، پیش روی می‌آورد. لذا توصیه می‌گردد که متولیان نظام آموزش عالی نسبت به این مهم حساس بوده، با ایجاد ساز و کاری منطقی به طراحی و تدوین

چه حد در انجام رسالت‌ها و وظایف خود معتبر است؟ پاسخ این سؤال برای سیاستگذاران، تصمیم‌گیران، رهبران آموزشی در دانشگاه‌ها، هیأت علمی و سایر کارکنان، دانشجویان، سازمان‌های جذب‌کننده فارغ‌التحصیلان و سرانجام کل جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است. بدین لحاظ است که اعتبارسنجی بطور غیررسمی در دانشگاه‌ها از سال‌های بسیار مطرح بوده است. بتدریج اعتبارسنجی از راه کیفیت، مورد توجه آموزش عالی جهان قرار گرفت و مدل‌های متعددی در حوزه ادبیات آموزش عالی جهان ارائه شد (پازارگادی، ۱۳۷۸، صص ۴۰-۳۸).

مطالعات کتابخانه‌ای و نظری در ایران نشان داد که از آغاز تأسیس مؤسسات آموزش عالی ایران همواره از طریق نظارت و ارزیابی، امر کیفیت در آموزش عالی راه پاس داشته‌اند.

دارابی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود "ارزیابی عملکرد دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه شاهد بر اساس مرحله اول الگوی اعتبارسنجی" به اهدافی چون بررسی میزان مطلوبیت ده عامل یعنی رسالت‌ها و اهداف دانشکده، ساختار سازمانی و مدیریت، اعضای هیأت علمی، دانشجویان، فرایند تدریس و یادگیری، دوره‌ها، برنامه‌های آموزشی و درسی، دانش‌آموختگان، فضا، امکانات و تجهیزات آموزشی، پژوهشی، درمانی، پژوهش و نیروی انسانی اداری و پشتیبانی دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه شاهد دست یافتند. از ده عامل، یک عامل مطلوب، هفت عامل نسبتاً مطلوب و دو عامل نامطلوب ارزیابی شده است. گلزاری و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود "تدوین و اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی ارزشیابی کیفیت درونی آموزش الکترونیکی در نظام آموزش عالی کشور" با ارائه الگویی در ۸ گروه اصلی؛ عامل انسانی، عامل زیرساختی، عامل فرهنگی، عامل قانونی، عامل همکاری‌های بین‌المللی، بعنوان عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش، توسط ۸۵ شناسه، کیفیت آموزش الکترونیکی را مورد ارزشیابی قرار داد. هدف پژوهش، یافتن الگویی است که مجریان و مدیران آموزش‌های الکترونیکی دانشگاهی بتوانند با استناد به آن، وضع کیفیت آموزشی دانشگاه خود را محک بزنند. شاهرزایی (۱۳۸۹) در تحقیق خود

تحقیق "دیدگاه مقایسه ای جهت رتبه بندی آموزش عالی و جوامع دانشگاهی با نگرش ارزیابی پژوهشی" رتبه بندی عملکرد مقالات علمی در دانشگاه های جهان، ارزیابی آموزش عالی و شورای اعتبارسنجی در تایوان رتبه بندی (HEEACT) که بر کمیت و کیفیت پژوهش و عملکرد آن در تحقیقات آموزش عالی تأکید داشته، را مورد بررسی قرار داده است. رتبه بندی علمی دانشگاه های جهان توسط دانشگاه تونگ جیو شانگهای (ARWU) با شاخص هایی به عنوان برندگان جایزه نوبل با تمرکز بر عملکرد برجسته از دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور بوده است. نتایج نشان داد که بررسی کیفیت (QS) در زیر بخش های (رسالت و اهداف، ساختار سازمانی و مدیریت، کادر آموزشی فراگیران، فرایند یاددهی و یادگیری و دوره های آموزشی و پژوهشی، امکانات و تجهیزات، پژوهش و نیروی انسانی اداری، مالی و پشتیبانی) دانشگاه های انگلستان مورد تأیید بوده است. سوهام (۲۰۱۱) در تحقیق "از اختیار تا اعتبارسنجی، مسیری دشوار برای سیستم دانشگاه ها در یک جامعه در حال تغییر استرالیا" زمینه های ارزیابی مؤسسات آموزش عالی شامل؛ استراتژی و سازمان، مدیریت کیفیت و توسعه منابع انسانی، درجه بندی برنامه ها بر اساس اولویت، دانشجویان، توسعه و تحقیق کاربردی، منابع، زیرساخت ها و بودجه، بین المللی سازی و همکاری و ارتباطات، اهداف آموزشی و روش های تدریس، تضمین کیفیت سازمان بوده است. در این پژوهش، جهت اعتبارسنجی آموزش عالی، اهداف و روش های آموزشی مذکور مد نظر است.

محقق در این پژوهش بر آن است که به مدد مبانی نظری، تجارب، بین المللی و داخلی در مورد مؤلفه های اصلی الگویی جهت اعتبارسنجی دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مؤسسات آموزش عالی ارائه کند، زیرا بی تردید دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی نیز همانند سایر مراکز آموزشی به لحاظ رسالتها، اهداف و گستره وسیع آن و همچنین اهمیت تأمین، تضمین و بهبود مستمر کیفیت خود به ابزاری جهت اعتبارسنجی خویش نیازمندند که با استفاده از نظام اعتبارسنجی، میزان تطابق وضعیت دانشگاه ها با استانداردهای از پیش تعیین

استانداردهای کیفیت بپردازند و به این طریق موجبات بهبود و ارتقاء کیفیت نظام آموزش عالی را به واسطه پیش شرط اساسی آن یعنی استانداردسازی از طریق کاربست الگوی اعتبارسنجی، فراهم آورند.

بونارا و ناتا (۲۰۱۲) در تحقیق "رویکردی به اعتبارسنجی: در مسیر آموزش عالی ایتالیا" برای درک موضوع اعتبارسنجی در ایتالیا تمرکز توجه بر طرح های مهمی که اخیراً توسط مینیسترو و دانشگاه دل و استروین و تحت مشاوره کومیتاتو قرار گرفته است و تأثیر زیادی بر روی کل سیستم دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی داشته است و نیز این مسئله برای کمیته ملی ارزشیابی سیستم های دانشگاهی (CNVSU) مهم است که به نشانه ها، انتقادات و ایده های مربوط به این طرح به عنوان بخشی از یک استراتژی که هدف آن معرفی تدریجی استانداردهای اعتبارسنجی در دانشگاه ایتالیا است، بنگرد. در این پژوهش، بر اساس کمیته ملی ارزشیابی سیستم های دانشگاهی (CNVSU) مؤلفه هایی را جهت ارتقاء بخشیدن به فرایند بهینه سازی نظام آموزش عالی در ایتالیا در سال ۲۰۱۲ پیشنهاد می نماید: دسترسی به نشریات معتبر و مناسب جهانی، جذابیت علمی، تولیدات علمی و پژوهشی، رسالت ها و اهداف دانشگاه ها، فرایند تدریس و یادگیری و برنامه های آموزشی که در این میان دسترسی به نشریات معتبر و مناسب جهانی بسیار حائز اهمیت می باشد. ماستونین و میتوس (۲۰۱۲) در تحقیق "ارائه مدل های اعتبارسنجی در آموزش عالی فنلاند؛ تجربیات و دیدگاه ها" هدف اصلی شورای بررسی آموزش عالی فنلاند (FINHEEC)؛ توسعه بلند مدت آموزش عالی از طریق ارزیابی و سنجش عملکرد اعضای سازمان (دانشجویان، اعضای هیأت علمی، مدیران و معاونین) است. وظایف اصلی این مؤسسه، کمک به مؤسسات آموزش عالی و وزارت آموزش و پرورش، انجام ارزیابی برای اعتباربخشی، سازماندهی فعالیت های بالاتر مؤسسات آموزشی و ارزیابی مرتبط به سیاست آموزش عالی، ارزیابی، ترویج و توسعه آموزش عالی، درگیر شدن در همکاری های بین المللی در ارزیابی می باشد. نوع اعتبارسنجی در ارزیابی نشان دهنده تضمین کیفیت است. هانگ (۲۰۱۱) در

از طریق آلفای کرونباخ پایایی درونی پرسشنامه اندازه گیری و ۰/۸۳ محاسبه گردید. این پرسشنامه از پنج بخش؛ فلسفه (۴ سؤال)، اهداف (۵ سؤال)، مبانی نظری (۷ سؤال)، مراحل اجرایی (۹ سؤال) و نظام ارزشیابی و بازخورد (۳ سؤال) که مجموعاً شامل ۲۸ گویه می باشد، تشکیل شده است (مقیاس ۷ درجه ای لیکرت). در تحلیل داده های مستخرجه از پرسشنامه ها، در سطح آمار توصیفی از شاخص های آماری فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمونهای آماری همبستگی، T، تحلیل واریانس و رگرسیون بهره گیری و از نرم افزار آماری spss جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده گردید.

یافته های پژوهش

به منظور پاسخ دادن به سه سؤال اساسی پژوهش؛ انتخاب الگوی متناسب، درجه تناسب الگوی پیشنهادی و الگوی نهایی بر اساس اعمال پیشنهادات پژوهشگر به تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات مستخرج از پرسشنامه مبادرت ورزیده که در (جدول ۱) ارائه گردید.

شده را مشخص نموده، ابهام عملکردی را رفع و در آخر نیز به رتبه بندی دانشگاه ها پردازند.

هدف اصلی این پژوهش، ارائه الگویی جهت اعتبارسنجی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی است. پژوهش حاضر به سؤالات زیر پاسخ خواهد داد؛ مؤلفه های اصلی در اعتبارسنجی دانشگاه ها بر اساس تجارب داخلی، بین المللی و مبانی نظری کدامند؟ چه الگویی را می توان جهت اعتبارسنجی دانشگاه ها ارائه نمود؟ درجه تناسب الگوی پیشنهادی از نظر ریاست، معاونین، رؤسای دانشکده، مدیران گروه و اعضای هیأت علمی دانشگاه ها چقدر است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری را رؤسای دانشگاه ها، معاونین آموزشی، رؤسای دانشکده ها، مدیران گروه آموزشی و اعضای هیأت علمی شاغل در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی که ۷۹۶ نفر بودند، شامل شدند. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان، ۲۶۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه گیری، تصادفی طبقه ای بود. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود. در این پژوهش از مقیاس اندازه گیری لیکرت استفاده شد و

جدول ۱: ویژگی های جامعه آماری مورد مطالعه

ردیف	زیر گروههای آموزشی	مدرک تحصیلی			سنوات خدمت (به سال)		
		لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	۴-۰ سال	۵-۹ سال	۱۰سال بیشتر
۱	رؤسای دانشگاه	زن	-	-	-	-	-
		مرد	-	۷	۲۶	۴	۲۴
۲	معاون آموزشی	زن	-	-	-	-	-
		مرد	-	۱۵	۱۷	۱۸	۱۴
۳	رؤسای دانشکده	زن	-	-	-	-	-
		مرد	-	۳۲	۲۹	۳۶	۲۵
۴	مدیران گروه	زن	-	-	-	-	-
		مرد	-	۹۴	۳۱	۶۹	۵۰
۵	هیات علمی	زن	-	۱۶	۳	۱۷	۲
		مرد	-	۹۰	۳۸	۸۴	۴۲
	جمع کل= ۷۹۶	-	۲۵۴	۱۴۴	۲۲۸	۱۵۷	۱۳

سؤال یک: چه مؤلفه هایی را می توان جهت اعتبار سنجی دانشگاه ها ارائه کرد؟

براساس مطالعات کتابخانه ای، بین المللی، مبانی نظری مؤلفه های زیر استخراج گردید: نتایج تحلیل در زیرآزمون های فلسفه الگو، اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی و بازخورد در گروه رؤسای واحدهای دانشگاهی به شرح زیر می باشد: بر اساس یافته های پژوهش، t مشاهده شده برای هریک از گویه ها و کل زیر آزمون از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر و لذا می توان نتیجه گرفت که فرض خلاف پذیرش قرار می گیرد. به عبارتی، این زیرآزمون مورد پذیرش با درجه تناسب بسیار مناسب است. نتایج تحلیل در زیرآزمون های فلسفه الگو، اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی و بازخورد در گروه معاونان واحدهای دانشگاهی به شرح زیر می باشد: بر اساس یافته های پژوهش، t مشاهده شده برای هریک از گویه ها و کل زیر آزمون از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر و لذا می توان نتیجه گرفت که فرض خلاف پذیرش قرار می گیرد. به عبارتی، این زیرآزمون مورد پذیرش با درجه تناسب بسیار مناسب است. نتایج تحلیل در زیرآزمون های فلسفه الگو، اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی و بازخورد در گروه رؤسای دانشکده ها به شرح زیر می باشد: بر اساس یافته های پژوهش، t مشاهده شده برای هریک از گویه ها و کل زیر آزمون از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر و لذا می توان نتیجه گرفت که فرض

خلاف مورد پذیرش قرار می گیرد. به عبارتی، این زیرآزمون مورد پذیرش با درجه تناسب بسیار مناسب است. نتایج تحلیل در زیرآزمون های فلسفه الگو، اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی و بازخورد در مدیران گروه های آموزشی به شرح زیر می باشد: بر اساس یافته های پژوهش، t مشاهده شده برای هریک از گویه ها و کل زیر آزمون از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر و لذا می توان نتیجه گرفت که فرض خلاف پذیرش قرار می گیرد. به عبارتی، این زیرآزمون مورد پذیرش با درجه تناسب بسیار مناسب است. نتایج تحلیل در زیرآزمون های فلسفه الگو، اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی و بازخورد در زیرگروه اعضای هیأت علمی به شرح زیر می باشد: بر اساس یافته های پژوهش، t مشاهده شده برای هریک از گویه ها و کل زیر آزمون از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر و لذا می توان نتیجه گرفت که فرض خلاف پذیرش قرار می گیرد. به عبارتی، این زیرآزمون مورد پذیرش با درجه تناسب بسیار مناسب است.

سؤال دوم: چه الگویی را از تجزیه و تحلیل داده ها می توان استخراج کرد؟

الگو با کمک ادبیات پژوهش و داده های کمی (تعیین درجه تناسب الگو) از جامعه آماری رؤسای دانشگاه ها، معاونین آموزشی، رؤسای دانشکده ها، مدیران گروه های آموزشی و اعضای هیأت علمی تدوین و ارائه گردید.

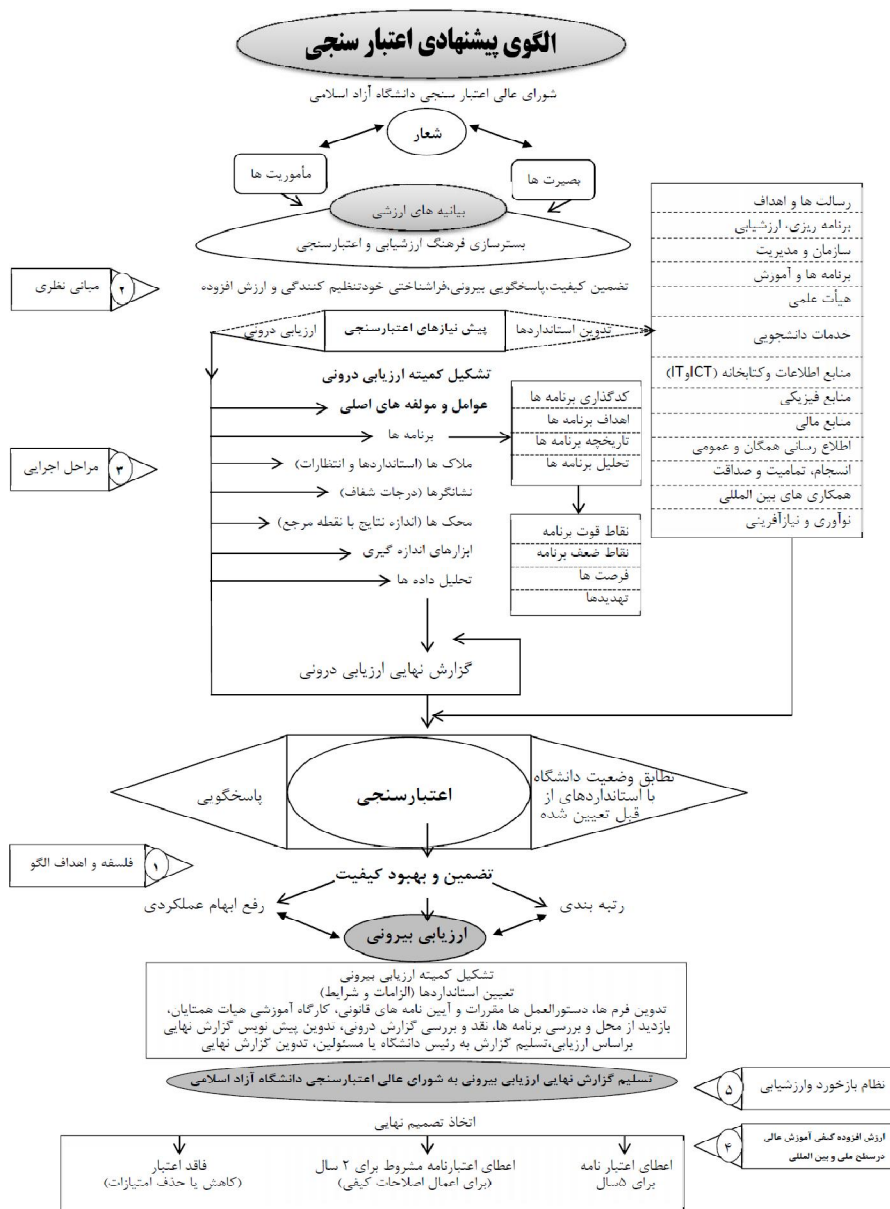
جدول ۲: مؤلفه های مستخرجه اعتبارسنجی واحدهای دانشگاهی

۱. مؤلفه تضمین کیفیت	۲. مؤلفه ارزیابی درونی
۳. مؤلفه ارزیابی بیرونی	۴. مؤلفه ارزش افزوده
۵. مؤلفه خود تنظیم کنندگی پویا	۶. مؤلفه ملاکها (استانداردها و انتظارات)
۷. مؤلفه بصیرت ها و ماموریتها	۸. مؤلفه رتبه بندی
۹. مؤلفه تدوین استاندارد	۱۰. مؤلفه پاسخگویی بیرونی
۱۱. مؤلفه برنامه ها	۱۲. مؤلفه رفع ابهام عملکردی
۱۳. مؤلفه نشانگرها (درجات شفافیت)	۱۴. بیانیه ارزشی
۱۵. مؤلفه محک ها (اندازه نتایج با نقطه نظر مرجع)	۱۶. بسترسازی فرهنگی

سؤال سوم: درجه تناسب الگو از نظر جامعه آماری پرسشنامه‌ها بعد از دریافت، تجزیه و تحلیل گردید و به منظور سهولت و ارزیابی نظرات زیرگروه‌های پنج‌گانه جامعه آماری داده‌های موجود در پرسشنامه‌ها استخراج و بر اساس عناوین بسیار مناسب، مناسب، نامناسب طبقه‌بندی گردید.

جدول ۳: طبقه‌بندی جامعه آماری داده‌های پرسشنامه بر اساس عناوین بسیار مناسب، مناسب، نامناسب

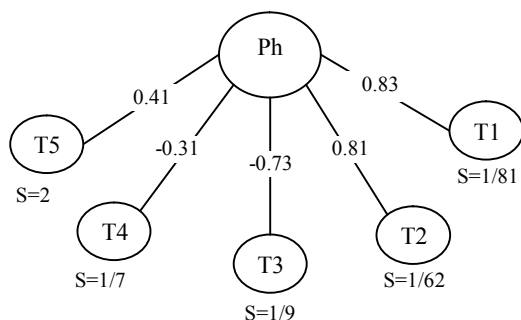
جامعه آماری	درصد پاسخگویان به پرسشنامه بر اساس بسیار مناسب
۱. رؤسای دانشگاه‌ها	۸۵ / ۲ درصد
۲. معاونان آموزشی	۸۴ / ۶ درصد
۳. رؤسای دانشکده‌ها	۸۹ / ۱ درصد
۴. مدیران گروه‌های آموزشی	۸۹ / ۸ درصد
۵. اعضای هیئت علمی	۶۹ / ۱ درصد
جمع کل	۹۱ / ۲ درصد



مؤلفه های زیرآزمون فلسفه به ترتیب زیر بوده است. با عنایت به $R-Sq=0/97$ که بیانگر تأثیر پذیری مستقیم و زیاد فلسفه الگو از مؤلفه های چهارگانه اش است می توان فلسفه الگو را مناسب تشخیص داد.

$$ph1 < ph4 < ph3 < ph2$$

۲- اهداف الگو (T)



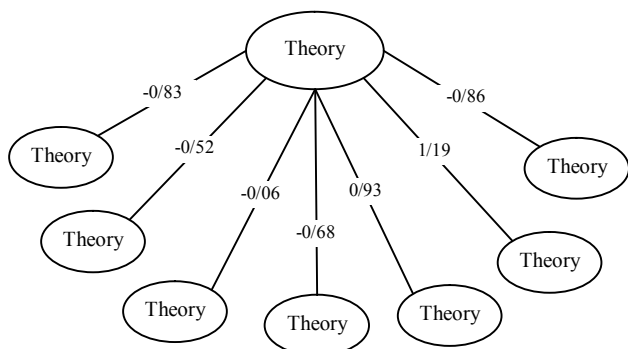
$$T = 0/83T1 + 0/81T2 + 0/73T3 + (-0/31)T4 + 0/41T5$$

$$F = 1064$$

باتوجه به ضریب همبستگی محاسبه شده زیر آزمون اهداف، می توان نتیجه گرفت که نسبت اهمیت هریک از مؤلفه های زیر آزمون فلسفه به ترتیب زیر بوده است. با مقدار $R-sq = 0/935$ و $R-adj = 0/934$ ارتباط مؤلفه های الگو، بسیار مناسب است.

$$T4 < T3 < T1 < T5 < T2$$

۳- مبانی نظری (Theory)



$$Theory = -0/86 Theory + 1/91 Theory + 0/93 Theory + (-0/68) Theory + (-0/063) Theory + (-0/52) Theory + (-0/38) Theory$$

در بررسی ارتباط خطی اجزای الگو با یکدیگر یک مدل خطی برانده شده و تأثیر هر یک از مؤلفه ها با استفاده از نرم افزار spss بررسی گردید. وجود $R-Sq$ و $R-adj$ بالا نشان دهنده توجیه پذیری زیاد متغیر پاسخ از متغیرهای مستقل و تقریباً بیش از ۹۳٪ برای تمامی زیر آزمون ها می باشد. زیرآزمون های الگوی پیشنهادی با علائم اختصاری زیر ارائه می گردند (جدول ۴).

جدول ۴: علائم اختصاری الگوی پیشنهادی

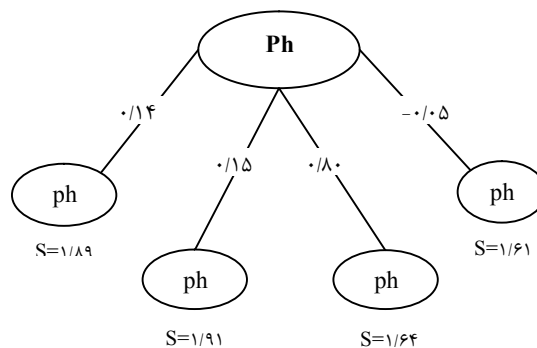
نظام ارزشیابی و بازخورد	مراحل اجرایی	مبانی نظری	اهداف الگو	فلسفه الگو
V	P	Theory	T	ph

جدول ۵: ضرایب همبستگی میان هریک از اجزای الگو

T & V = 0/04	Ph & T = 0/39
P & V = 0/67	ph & V = 0/59
P & Theory = 0/22	ph & Theory = 0/17
	T & Theory = -0/38
V & Theory = 0/28	Ph & P = 0/59
	T & P = 0/24

همانگونه که مشخص شد، تنها T & V یعنی ارتباط میان اهداف و نظام ارزشیابی و بازخورد از دیگر موارد ضعیف تر است (جدول ۵).

۱- فلسفه الگو (ph)



$$ph = -0/045 ph1 + 0/80 ph2 + 0/15 ph3 + 0/14 ph4$$

$$F = 2071$$

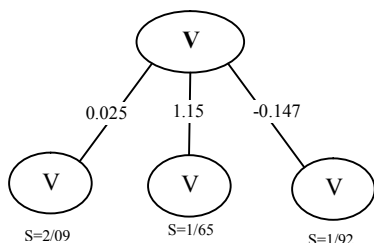
S = میزان خطاست

باتوجه به ضریب همبستگی محاسبه شده زیر آزمون فلسفه، می توان نتیجه گرفت که نسبت اهمیت هریک از

تأثیرگذاری مؤلفه های این زیرآزمون از دید پاسخ دهندگان به ترتیب زیر بوده است. با توجه به R- تأثیر هریک از مؤلفه های زیرآزمون مبانی نظری از دید پاسخ دهندگان به ترتیب زیر بوده است. با توجه به R- R-sq=0/979 و adj=0/944 می توان الگوی ارائه شده از مراحل اجرایی را بسیار مناسب معرفی نمود.

$$P1 < P8 < P2 < P4 < P7 < P5 < P6 < P9 < P3$$

۵- نظام بازخورد و ارزشیابی (V)



$$V = (-0/147)V1 + 1/15 V2 + 0/025V3$$

$$F=2788$$

با توجه به ضریب همبستگی محاسبه شده زیر آزمون نظام ارزشیابی و بازخورد، به نظر می رسد که نسبت اهمیت و تأثیرگذاری هریک از مؤلفه های زیرآزمون به ترتیب زیر بوده است. با عنایت به R-adj=0/955 و R-sq=0/955 نیز می توان ابراز داشت که نظام ارزشیابی و بازخورد الگو مناسب است.

$$V3 < V1 < V2$$

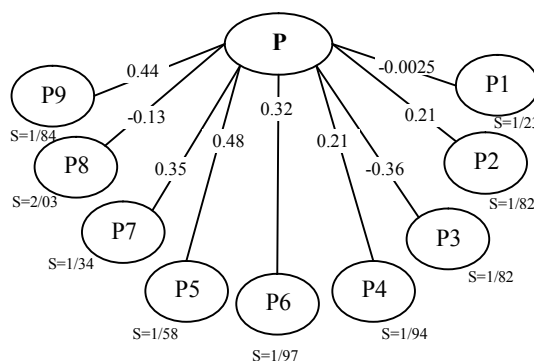
خلاصه نظرات زیر گروه های پنجگانه در مورد زیر آزمونهای الگوی پیشنهادی در (جدول ۶) ارائه می گردد:

باتوجه به ضریب همبستگی محاسبه شده زیر آزمون مبانی نظری، می توان نتیجه گرفت که نسبت اهمیت و تأثیر هریک از مؤلفه های زیرآزمون مبانی نظری از دید پاسخ دهندگان به ترتیب زیر بوده است. با توجه به R- R-sq=0/979 و adj=0/978 می توان چنین دریافت که مبانی نظری بسیار مناسب طراحی شده است.

$$\text{Theory5} < \text{Theory3} < \text{Theory4} < \text{Theory7} < \text{Theory9} < \text{Theory2} < \text{Theory3}$$

$$F=2152$$

۴- مراحل اجرایی (P)



$$P = (-0/0025)P1 + 0/21 P2 + (-0/36) P3 + 0/21 P4 + (-0/32) P5 + 0/48P6 + 0/35P7 + (-0/13)P8 + 0/44 P9$$

$$F= 7180$$

باتوجه به ضریب همبستگی محاسبه شده زیر آزمون مراحل اجرایی، می توان نتیجه گرفت که نسبت اهمیت و

جدول ۶: خلاصه نظرات زیر گروه های پنجگانه در مورد زیر آزمونهای الگوی پیشنهادی

زیر گروه مورد مطالعه	تعداد پرسش شوندهگان	زیر آزمونها	درصد متوسط پاسخها		
			بسیار مناسب	مناسب	نامناسب
رؤسای دانشگاه	۳۳ نفر	فلسفه الگو	۸۵/۲	۸/۷	۶/۱
		اهداف الگو	۸۹/۳	۶/۴	۴/۳
		مبانی نظری الگو	۸۸	۶/۵	۵/۵
		مراحل اجرایی الگو	۸۸	۶/۵	۵/۵
		نظام ارزشیابی الگو	۹۱/۸۵	۴/۲	۴/۳
معاونین آموزشی	۴۲ نفر	فلسفه الگو	۸۴/۶	۹	۶/۴
		اهداف الگو	۸۸/۸	۶/۶	۴/۶
		مبانی نظری الگو	۸۸/۵	۶/۸	۴/۷
		مراحل اجرایی الگو	۸۸/۷	۶/۴	۴/۹
		نظام ارزشیابی الگو	۹۱/۲	۴/۳	۴/۵
رؤسای دانشکده	۶۱ نفر	فلسفه الگو	۸۹/۱	۶/۸	۴/۱
		اهداف الگو	۹۳/۳	۴/۴	۲/۳
		مبانی نظری الگو	۹۰/۳	۶/۷	۳

زیر گروه مورد مطالعه	تعداد پرسش شوندهگان	زیر آزمونها	درصد متوسط پاسخها		
			بسیار مناسب	مناسب	نامناسب
مدیران گروه	۱۲۵ نفر	مراحل اجرایی الگو	۹۰/۱	۵/۶	۴/۳
		نظام ارزشیابی الگو	۹۳/۳	۴/۴	۲/۳
		فلسفه الگو	۸۹/۸	۶/۱	۴/۱
		اهداف الگو	۸۹/۷	۵/۸	۴/۵
		مبانی نظری الگو	۸۶/۶	۹/۱	۴/۳
هیأت علمی	۱۴۷ نفر	مراحل اجرایی الگو	۹۰/۹	۷/۸	۱/۳
		نظام ارزشیابی الگو	۹۱/۸	۴/۹	۳/۳
		فلسفه الگو	۹۶/۱	۳/۹	۰
		اهداف الگو	۹۸	۱/۲	۰/۸
		مبانی نظری الگو	۹۶/۷	۲/۹	۰/۴
		مراحل اجرایی الگو	۹۷/۵	۲/۵	۰
		نظام ارزشیابی الگو	۹۶/۵	۲/۵	۱

بحث و نتیجه گیری

مطالعات تطبیقی آموزش عالی نشان می دهد دانشگاه هایی موفق هستند که از یک نظام چرخه زندگی دانشگاهی چون؛ نظام برنامه ریزی و توسعه، نظام نگهداری و ارزشیابی، اعتبارسنجی و نظام تولید و توزیع برخوردار باشند. این نظام نقش ارزشیابی و اعتبارسنجی را کلیدی و آن را عامل احیای زندگی دانشگاهی تلقی می نماید. خلق ظرفیت های جدید، تولید دانش و رانش عملیاتی فناوری اطلاعات و ارتباطات در یک اقتصاد دانشی ایجاب می کند که مؤسسات و مراکز آموزش عالی کشور از یک نظام برنامه ریزی و توسعه، ارزشیابی و اعتبارسنجی مناسبی برخوردار باشند تا به مدد آن بتوانند به ارتقاء مستمر کیفیت پرداخت و شیوه های مدرن هزاره سوم، همچون خودنظارتی، خود ارزشیابی و اعتبارسنجی را بخشی از راه زندگی روزمره و مداوم واحدهای تحت پوشش خود قرار داد و در عصر فراشناخت و فرایپچیده هزاره سوم نظام اعتبارسنجی را با توجه به نظام ارزشهای جامعه خود در دانشگاه ها نهادینه ساخت (قورچیان، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸).

پژوهشگر پس از مطالعات تطبیقی بسیار گسترده و طولانی چارچوب های ادراکی و مدل های گوناگون، اعتبارسنجی را همراه با روش ها و فرم های متعدد آن در بیشتر کشورهای جهان به طور سیستماتیک مطالعه نموده و مؤلفه های اصلی آن را استخراج و سرانجام الگویی جهت اعتبارسنجی دانشگاه آزاد اسلامی ارائه کرده

است. مؤلفه های اصلی اعتبارسنجی دانشگاه آزاد اسلامی کشور بر اساس یافته های نظری، تجارب بین المللی و داخلی شامل؛ تدوین استانداردها، ارزیابی درونی به عنوان پیش نیاز اعتبارسنجی، شعارها، بصیرت ها و مأموریت ها، بیانیه های ارزشی، بستر سازی فرهنگ ارزشیابی و اعتبارسنجی، تضمین بهبود کیفیت، پاسخگویی بیرونی، فراشناختی خود تنظیم کنندگی و خود مطالعه ای، ارزش افزوده کیفی، تدوین استانداردها در (اهداف و رسالت ها، برنامه ریزی و ارزشیابی، ساختار سازمانی و مدیریت، برنامه ها و آموزش، هیأت علمی، خدمات آموزشی، منابع اطلاعاتی و کتابخانه ها، IT, ICT، تکنولوژی آموزشی، منابع فیزیکی، منابع مالی، اطلاع رسانی همگانی و عمومی، انسجام، تمامیت و صداقت، همکاری های بین المللی و نوآوری و نیازآفرینی، برنامه ها(کدگذاری، اهداف، تاریخچه و تحلیلی آن، نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدها)، ملاک ها(استانداردها و انتظارات)، محک ها) اندازه نتایج با نقطه مرجع)، نشانگرها (درجات شفاف)، ارزیابی بیرونی، رتبه بندی، رفع ابهام عملکردی و اعتبارنامه عملی می باشند که با پژوهش های دارایی و همکاران(۱۳۹۱)، گلزاری و همکاران(۱۳۸۹)، شاهرزایی(۱۳۸۹)، هداوند(۱۳۸۸)، امین بیدختی و عیدی(۱۳۸۵)، بونارا و ناتا(۲۰۱۲)، ماستونین، میتوس (۲۰۱۲)، هانگ (۲۰۱۱) و سوهام(۲۰۱۱) همسویی دارد.

شده با پژوهش‌های گلزاری و همکاران (۱۳۸۹)، شاهرزایی (۱۳۸۹) و ماستونین و میتوس (۲۰۱۲) همسویی دارد. چارچوب مفهومی الگوی اعتبارسنجی پژوهش حاضر با چارچوب مفهومی پژوهش شاهرزایی (۱۳۸۹) همسویی دارد. مؤلفه‌های تضمین بهبود کیفیت، پاسخگویی بیرونی، خودتنظیم‌کنندگی، ارزش افزوده کیفی، تدوین استانداردها، برنامه‌ها با پژوهش‌های گلزاری و همکاران (۱۳۸۹)، امین بیدختی و عیدی (۱۳۸۵)، هانگ (۲۰۱۱) و سوهام (۲۰۱۱) همسویی دارد. ارزیابی بیرونی، رتبه بندی، رفع ابهام عملکردی و اعتبارنامه علمی با پژوهش‌های ماستونین، میتوس (۲۰۱۲) و بونارا و ناتا (۲۰۱۲) همسویی دارد. براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، الگوی پیشنهادی از نظر جامعه آماری ۹۱ درصد بسیار مناسب تشخیص داده شد و برای دانشگاه‌های آزاد اسلامی و سایر مراکز آموزش عالی کشور تأیید و ارسال گردید.

پیشنهادات و توصیه‌های کاربردی که در راستای این پژوهش ارائه گردید؛ جایگاه و منزلت قانونی اعتبارسنجی در دانشگاه آزاد اسلامی شفاف و نهادینه گردد. با توجه به تأیید الگو از طرف جامعه آماری پیشنهاد می‌گردد تا شورای عالی اعتبارسنجی در مراکز آموزش عالی مستقر و با توجه به فلسفه و اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی و بازخورد، زمینه اجرایی این الگو فراهم شود. به منظور ایجاد یک زبان مشترک در خصوص نظام اعتبارسنجی بسترسازی فرهنگی در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی به طور رسمی به عمل آید. الگو مجدداً به رؤیت متخصصان آموزش عالی کشور به ویژه متخصصان مدیریت آموزشی، آموزش عالی، برنامه ریزان استراتژیک و متخصصان ارزشیابی رسیده و با استفاده از روش دلفی به غنای الگو بپردازند. نتایج گزارش ارزشیابی درونی را به عنوان یک سند تدوین و بر اساس آن ارزشیابی بیرونی توسط گروه همتایان صورت گیرد. بر اساس نتایج ارزشیابی بیرونی می‌توان واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی را رتبه بندی کرده و بر اساس نتایج آن اعتبارنامه عملکردی صادر نمود. این امر موجبات ارزش افزوده علمی و کیفی مراکز دانشگاه آزاد اسلامی در سطح منطقه، ملی و بین‌المللی را فراهم خواهد ساخت.

آنگاه پژوهشگر مؤلفه‌های مستخرجه را در چهار گروه زیر تدوین و الگوی نهایی را بر اساس آنها پیشنهاد کرده است:

- فلسفه و اهداف مدل (تطابق وضعیت واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی با استانداردهای از قبل تعیین شده، پاسخگویی، تضمین و بهبود کیفیت، رتبه بندی و رفع ابهام عملکردی).
- مبانی نظری (تضمین کیفیت و اجرای حداقل استانداردها، پاسخگویی بیرونی، خودتنظیم‌کنندگی، فراشناختی و ارزش افزوده علمی و کیفی).
- مراحل اجرایی (تدوین استانداردها، ارزیابی درونی بر اساس استانداردها یا اهداف، تدوین گزارش نهایی ارزشیابی درونی، اجرای ارزشیابی بیرونی توسط هیأت همتایان، تدوین گزارش نهایی به کمک رؤسای دانشگاه‌ها یا مسئولین مربوطه).
- نظام ارزشیابی و بازخورد (سیستم گزارش نهایی ارزشیابی بیرونی به شورای عالی اعتبارسنجی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و اتخاذ تصمیم نهایی (اعطای اعتبارنامه ۵ ساله به واحدهای ذیربط)، اعطای اعتبارنامه مشروط برای ۲ سال (برای اعمال اصلاحات کیفی) و فاقد اعتبار (کاهش یا حذف امتیازات واحد مربوطه).

آنگاه الگوی پیشنهادی در سطح جامعه و نمونه آماری رؤسای دانشگاه‌ها، معاونین آموزشی، رؤسای دانشکده‌ها، مدیران گروه‌ها و اعضای هیأت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی ارسال گردید و سرانجام تناسب الگو با مقیاس ۹۱/۲ درصد تأیید، مصوب و نهایی گردید. مؤلفه‌های شعار، بصیرت، مأموریت، بیانیه‌های ارزشی، بستر سازی فرهنگی، تضمین بهبود کیفیت، پاسخگویی بیرونی، خودتنظیم‌کنندگی، ارزش افزوده کیفی، تدوین استانداردها، برنامه‌ها، ملاک‌ها، نشانه، ارزشیابی بیرونی، رتبه بندی، رفع ابهام عملکردی و اعتبارنامه علمی به عنوان مؤلفه‌های اصلی الگوی اعتبارسنجی از ادبیات آموزش عالی استخراج گردید. مؤلفه‌های مذکور به چهار گروه اصلی طبقه بندی و الگوی پیشنهادی را ایجاد نمود که ساختار الگوی ارائه

- Perspective", Journal of Library and Information Studies 9:1, June, p.1-25.
- 10) Mustonen, Kirsi; Moitus, Sirpa(2012) "Accreditation Models in Higher Education in Finland: Experiences and Perspectives". Education Evaluation Council, Finland.
- 11) Sohm, Kurt(2010), "From Authorization to Accreditation – A Difficult Path for the University System in a Changing Society". Education Evaluation Council, Austria.

یادداشت‌ها

- ¹ Accreditation
² Higher Education
³ Quality Assurance
⁴ Evaluation
⁵ Pattern

فهرست منابع

- ۱) امین بیدختی، علی اکبر و عیدی، اکبر(۱۳۸۵)، استانداردسازی پیش شرط ضروری اعتبارسنجی در ارتقاء کیفیت نظام آموزش عالی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نخستین کنگره ملی علوم انسانی.
- ۲) پازارگادی، مهرنوش(۱۳۷۷)، پایان نامه دکتری مدیریت آموزشی، الگویی جهت اعتبار بخشی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی(در بخش دولتی و غیر دولتی).
- ۳) قورچیان، نادرقلی. آراسته، حمیدرضا. جعفری، پرپوش(۱۳۸۳)، "اعتبارسنجی آموزش عالی در هزاره سوم"، دایره المعارف آموزش عالی ایران. تهران. بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ج ۱.
- ۴) دارابی، مجید. نارنجکار، جمشید. فرمehینی فراهانی، محسن. گرشاسبی، احیاء. یوسفی، ایران(۱۳۹۱)، ارزیابی عملکرد دانشکده ی پزشکی دانشگاه شاهد بر اساس مرحله اول الگوی اعتبارسنجی، مجله توسعه ی آموزش در علوم پزشکی. دوره ی ۵. شماره ۸، صص ۳۶-۴۹.
- ۵) شاهرضایی، رسول(۱۳۸۹)، بررسی وضعیت ارزیابی در آموزش عالی کشور به منظور ارائه یک چارچوب ادراکی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۶، صص ۶۰-۴۱.
- ۶) گلزاری، زینب. کیامنش، علیرضا. قورچیان، نادرقلی و جعفری، پرپوش(۱۳۸۹)، تدوین و اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی ارزشیابی کیفیت درونی آموزش الکترونیکی در نظام آموزش عالی کشور، فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، شماره ۱، صص ۱۸۵-۱۶۰.
- ۷) هداوند، سعید(۱۳۸۸) اعتبار سنجی، ابزار کنترل کیفیت آموزش، مجله تدبیر، شماره ۲۰۴، ص ۵۷.
- 8) Buonauro, Carlo. Calandra, Nauta, Primiano. Di (2012)"An Approach to Accreditation: The Path of the Italian Higher Education", CNVSU in University of Modena and Reggio Emilia. Italy.
- 9) Huang, Mu-Hsuan(2011)"A Comparison of Three Major Academic Rankings for World Universities: From a Research Evaluation